

بسم الله الرحمن الرحيم

جمع بندی نکات امتحان نهایی و کنکور

ترجمه و قواعد

عربی، زبان قرآن (۳)

رشته ادبیات و علوم انسانی

گردد آورنده: لیلا اسلامی

دیر دبیرستان دخترانه نمونه بسیج شهر زنجان

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

۳-۴	حروف مشبهة بالفعل و لای نفی جنس و نکات ترجمه آن ها
۵-۶	حال و نکات ترجمه آن
۷-۸	اسلوب استثنا و اسلوب حصر و نکات ترجمه آن ها
۹-۱۰	مفعول مطلق و انواع آن به همراه نکات ترجمه
۱۰	منادا
۱۱-۱۳	نکات پایه ترجمه به همراه نمونه سوال نهایی
۱۳-۱۴	نحوه تشخیص فعل مناسب برای جای خالی
۱۵-۱۶	المحلّ الإعرابیّ (الإعراب) و التحلیل الصّرفیّ

حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس و نکات ترجمه آن ها

حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از:

(۱) **إِنَّ** : غالباً در اول جمله برای تأکید به کار می رود و به معنای «همانا، قطعاً، به درستی، بی گمان» می باشد. مثال **إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ** : **بی گمان** خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

۲- **أَنَّ** : به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می دهد.

مثال: **قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** : گفت می دانم **که** خدا بر هر چیزی تواناست.

۳- **كَأَنَّ** : به معنی «گویى و مانند» است. مثال: **كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ** : آنان **مانند** یاقوت و مرجان هستند.

۴- **لَكِنَّ** : به معنای «ولی، اما» می باشد و برای کامل کردن پیام و رفع ابهام از جمله قبل از خود به کار می رود. مثال: **إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ** : بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است **ولی** بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند.

۵- **لَيْتَ (یالیت)** : به معنای «کاش» و معمولاً بیانگر آرزوی دست نیافتنی می باشد.

مثال: **و يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَاباً** : کافر می گوید **ای کاش** من خاک بودم.

۶- **لَعَلَّ** : به معنی «شاید، امید است». مثال: **لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ** : **شاید** آنها فکر کنند.

نکته اول : حروف مشبّهه بر سر جملات اسمیه وارد می شوند و مبتدا را منصوب کرده و خبر را به صورت مرفوع نگه می دارند. در این حالت به مبتدا، اسم حرف مشبّهه و به خبر، خبر حرف مشبّهه می گویند. به طور مثال در جمله اول، **اللّٰه اسم** **إِنَّ** و **لَا يُضِيعُ** خبر **إِنَّ** است.

نکته دوم : خبر لیت و لعلّ، به صورت فعل مضارع می آید و در این حالت معمولاً فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. مثال: **لَعَلَّ السَّلَامَ يَسْتَقَرُّ فِي الْعَالَمِ** : شاید صلح در جهان استقرار یابد.

لای نفی جنس

انواع لا :

۱- **لای نفی**: بر سرفعل مضارع آمده و آن را فقط منفی می کند.

مثال: لایکتبُ: نمی نویسد / لایکتبونَ: نمی نویسند

۲- **لای نهی**: بر سر فعل مضارع می آید و آخر فعل را مجزوم می کند. ۶ صیغه مخاطب را به صورت نهی و ۶ صیغه غایب و ۲ صیغه متکلم را به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می کنیم.

مانند لاتکتبُ: (تو) ننویس / لانکتبُ: (ما) نباید بنویسیم.

نتیجه: لای نفی و نهی بر سر فعل قرار می گیرند.

۳- **لا: به معنی نه** در جواب سوال با هل یا أ.

۴- **لای نفی جنس**: در اول جمله اسمیه می آید (یعنی بر سر یک اسم وارد می شود) و مانند حروف مشبیه عمل می کند یعنی مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب و خبر را مرفوع می کند. به مبتدا، اسم لا و به خبر، خبر لا می گوئیم.

*لای نفی جنس به معنای «هیچ... نیست» ترجمه می شود.

*خبر لای نفی جنس معمولاً به صورت جار و مجرور می آید.

مانند: لا شيء أنفع من العقل: هیچ چیزی سودمندتر از عقل نیست.

حال و نکات ترجمه آن

به کلماتی که در جمله، حالت یک اسم (مانند فاعل، مفعول، نائب فاعل و...) را در لحظه وقوع فعل بیان می کنند حال می گوییم. در فارسی به حال، قید حالت می گویند.

مانند : يعيشُ المؤمنُ في الدنيا **قائماً**. مؤمن در دنیا **با قناعت** زندگی می کند.

نکته : حال معمولاً به صورت اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبّهه در جمله ظاهر می شود و غالباً در آخر جمله به صورت منصوب و نکره می آید. به این نوع حال، حال مفرد می گوییم.

حال از نظر جنس و عدد با اسمی که حالتش را بیان می کند مطابقت دارد.

به الگوی زیر درباره حال مفرد توجه کنیم:

رَأَيْتُ الْوَلَدَ **مَسْروراً**. فرزند را، **خوشحال** دیدم. حال برای اسم مفرد مذکر (الولد)، به صورت مفرد مذکر آمده است.

ذَهَبَتِ الْبِنْتُ **فَرِحَةً**. دختر، **با خوشحالی** رفت. حال برای اسم مفرد مونث (البنت)، به صورت مفرد مونث آمده است.

الوالدانِ فِي الْعُرْفَةِ **مَسْرورَيْنِ**. فرزندان **با خوشحالی** در اتاق هستند. مثنی در حالت نصبی «ین» می گیرد.

يعيشُ الْمُؤْمِنُونَ فِي الدُّنْيَا **قَانِعِينَ**. مومنان در دنیا **با قناعت** زندگی می کنند.

جمع مذکر سالم در حالت نصبی «ین» می گیرد.

الْمُعَلِّمَاتُ دَخَلْنَ فِي الصُّفُوفِ **مُبْتَسِمَاتٍ**. معلم ها **لبخندزنان** وارد کلاس ها شدند.

جمع مونث سالم در حالت نصبی به جای فتحه، کسره می گیرد.

جمله حالیه

هرگاه بعد از یک اسم معرفه، یک واو به همراه یک جمله اسمیه بیاید (معمولاً بعد از واو یک ضمیر می آید)، جمله حالیه ساخته می شود. به این نوع واو، واو حالیه می گوییم.

مثال: رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ: کشاورز را دیدم **در حالی که محصول را جمع می کرد**.

نکته: هنگام ترجمه، حال مفرد را به صورت قید حالت فارسی ترجمه می کنیم و جمله حالیه را با کمک گرفتن از عباراتی مانند «در حالی که» ترجمه می نماییم.

تفاوت حال مفرد با صفت

به این سه عبارت دقت کنید:

رأيتُ ولدًا **مسرورًا**. رأيتُ الولدَ **المسرورَ**. رأيتُ الولدَ **مسرورًا**.

در جمله اول و دوم مسروراً و المسرورَ برای ولد صفت هستند چون می بینیم که از لحاظ معرفه و نکره بودن تابع موصوف (ولد) هستند. ولی در جمله آخر مسروراً حال است.

تفاوت جمله وصفیه با جمله حالیه

به این دو جمله دقت کنید:

شاهدتُ تلميذاً **يدرسُ** جيّداً. شاهدتُ التلميذَ **يدرسُ** جيّداً.

در جمله اول فعل يدرس بعد از اسم نکره «تلميذاً» آمده و جمله وصفی است و با «که» ترجمه می شود ولی در جمله دوم فعل يدرس بعد از اسم معرفه «التلميذ» آمده و جمله حالیه است و با «در حالی که» ترجمه می شود.

ترجمه جمله اول: دانش آموزی را دیدم **که** خوب درس می خواند.

ترجمه جمله دوم: دانش آموز را دیدم **در حالی که** خوب درس می خواند.

اسلوب استثنا و اسلوب حصر و نکات ترجمه آن ها

اسلوب استثنا یعنی خارج شدن از حکم ماقبل چیزی یا کسی.

ارکان استثنا عبارتند از:

- (۱) **مستثنی منه**: اسمی است که قبل از إِلَّا می آید و مستثنی از آن جدا می شود.
- (۲) **ادات استثنا**: هرگاه در جمله ای باشد چنین جمله ای استثنایی است و مهم ترین آن ها إِلَّا (به معنی جز یا مگر) است.

- (۳) **مستثنی**: اسمی است که بعد از إِلَّا می آید و از حکم مستثنی منه جدا می شود.

مثال: نَجَحَتِ الطُّلَّابُ فِي الْإِمْتِحَانِ إِلَّا الْمُتَكَاسِلَ: جز فرد تنبل، دانش آموزان در امتحان موفق شدند.

اسلوب استثنا به جمله ای گفته می شود که مستثنی منه در آن ذکر شده باشد. در این صورت مستثنی، منصوب خواهد بود.

اسلوب حصر به جمله ای گفته می شود که **اولاً** مستثنی منه در جمله ذکر نشده باشد و **ثانیاً** جمله منفی باشد.

مثال: قَرَأْتُ الْكِتَابَ إِلَّا مَصَادِرَهُ. **اسلوب استثنا**

مستثنی منه مستثنی

ما طالعْتُ لِلْإِمْتِحَانِ كِتَاباً إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ. **اسلوب استثنا**

مستثنی منه مستثنی

لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. **اسلوب حصر**

مستثنی

وَمَا الْحَيَاءُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ. **اسلوب حصر**

مستثنی

نکته اول: در جملات منفی هرگاه کلمه بعد از إَلَّا، مرفوع باشد چنین جمله ای قطعاً دارای اسلوب حصر می باشد و اگر منصوب باشد باید دقت کنیم که آیا مستثنی منه در جمله ذکر شده یا نه. اگر ذکر شده باشد اسلوب استثنا خواهد بود و اگر ذکر نشده باشد اسلوب حصر خواهیم داشت.

نکته دوم: معمولاً کلماتی که در جملات معنای جمع داشته باشند مستثنی منه می باشند مانند «کلّ، جمیع، الناس، التلامیذ، الطّلاب، الملائکة».

کلُّ شیءٍ هالکٌ إِلَّا وجهُهُ.

مستثنی منه

نکته سوم: جملات دارای اسلوب حصر را می توان به صورت **تأکیدی و مثبت** با قید «فقط یا تنها» ترجمه کنیم. مانند: ماکتب التّمارینَ إِلَّا حمیداً: تنها حمید تمرین ها را نوشت (جز حمید کسی تمرینها را ننوشت).

مفعول مطلق و انواع آن به همراه نکات ترجمه

مفعول مطلق مصدری است منصوب از جنس فعل جمله که برای بیان نوع انجام فعل و یا تاکید بر انجام فعل به کار می رود.

انواع مفعول مطلق

(۱) **مفعول مطلق تاکیدی** : مصدری است منصوب و نکره از جنس فعل که برای تاکید بر وقوع فعل به کار می رود و شک و تردید را درباره وقوع فعل از بین می برد و غالباً در آخر جمله می آید.

مانند: نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً : خداوند قطعاً قرآن را نازل کرد.

(۲) **مفعول مطلق نوعی یا بیانی** : مصدری است منصوب از جنس فعل جمله که برای بیان نوع یا کیفیت وقوع فعل به کار می رود.

مانند: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا: خدا را بسیار یاد کنید.

*در مفعول مطلق نوعی، بعد از مفعول مطلق یک صفت یا مضاف الیه قرار می گیرد.

*در ترجمه مفعول مطلق تاکیدی از قید های تاکید مانند: حتماً، قطعاً، کاملاً، بی شک، بی گمان و... ، قبل از فعل استفاده می کنیم.

مانند كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا: خدا با موسی قطعاً سخن گفت.

*در ترجمه مفعول مطلق نوعی که مضاف الیه داشته باشد، مفعول مطلق را ترجمه نمی کنیم و از قید هایی مانند : مثل، مانند، همچون، گویی و شبیه، استفاده می کنیم.

مانند: اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ : مانند درستکاران از خدا آمرزش خواستم.

*اگر پس از مفعول مطلق نوعی، صفت بیاید، برای ترجمه از قید های بیانی مانند: بسیار، به زیبایی، به نیکی و ... استفاده می کنیم.

مانند: تَجْتَهِدُ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا **اجتهاداً** بالغاً؛ مادر برای تربیت فرزندانش **بسیار** تلاش می‌کند.

*مفعول مطلق تاکیدی در آخر جمله با تنوین ً همراه است. مفعول مطلق نوعی اگر صفت داشته باشد با تنوین ً همراه است ولی اگر مضاف الیه داشته باشد فتحه َ می‌گیرد چون در این صورت مضاف است و مضاف هرگز تنوین نمی‌گیرد.

مانند: يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا **عِشاً** الْفَقْرَاءِ. بخیل در دنیا **همچون** فقیران زندگی می‌کند.

*برای تشخیص مفعول مطلق ضروری است که با مصادر ثلاثی مزید و ثلاثی مجرد آشنا باشید.

منادا

برای صدا کردن افراد یا خطاب قرار دادن کسی، از منادا استفاده می‌شود. مهم ترین حرف ندا در زبان عربی حرف «یا» است.

*حرف یا بر سر اسم های بدون «ال» می‌آید. مانند یا وَلَدُ، یا تَلْمِیْذُ، یا عَلِیُّ.

*اما اگر منادا «ال» داشته باشد، همراه با **أَيُّهَا** و **أَيْتَهَا** به کار می‌رود. مانند: أَيْتَهَا الْوَلَدُ (یا أَيْتَهَا الْوَلَدُ)، أَيْتَهَا الْبِنْتُ (یا أَيْتَهَا الْبِنْتُ). یعنی أَيْتَهَا برای اسم مذکر و أَيْتَهَا برای اسم مؤنث به کار می‌رود.

*درباره لفظ جلاله الله به دو صورت می‌توان منادا ساخت : (۱) یا اللَّهُ (۲) اللَّهُمَّ. و از نظر معنا هیچ فرقی با هم ندارند.

*گاهی در منادا حرف ندا حذف می‌شود. مثلاً به جای گفتن **یا رَبَّنَا** در دعاها از کلمه **رَبَّنَا** استفاده می‌شود.

*گاهی در منادا ضمیر «ی» نیز حذف می‌شود. مانند **یا رَبِّی** که «ی» حذف شده و **یا رَبِّ** استفاده می‌شود و **یا قومی** به **یا قوم** تبدیل می‌شود.

نکات پایه ترجمه

نکته اول: در ترجمه افعال خواسته شده یا افعال موجود در جملات، ابتدا به معنی فعل و سپس به زمان و صیغه و در نهایت به حرفی که بر سر فعل آمده توجه نموده و ترجمه دقیق نوشته شود. به طور مثال در ترجمه «قد کتبوا»، فعل معنای نوشتن می دهد و زمان آن ماضی و صیغه آن جمع مذکر غایب یعنی برای ضمیر «هم» است و بر سر آن حرف قد آمده که فعل ماضی را به ماضی نقلی مثبت تبدیل می کند:

قد کتبوا ← نوشته اند

نکته دوم: برای ترجمه درست از عربی به فارسی، باید مفهوم ماضی ساده، ماضی نقلی مثبت و منفی، ماضی بعید، ماضی استمراری، مضارع اخباری، مضارع التزامی و مستقبل مثبت و منفی در زبان فارسی درک شود.

نکته سوم: در ترجمه، به افعال امر، نهی و معلوم و مجهول بودن افعال نیز باید توجه شود.

چگونگی تشخیص زمان ها در زبان عربی:

- ۱- ماضی ساده مثبت ← كَتَبَ : نوشت / حَرَقُوا : سوزاندند / شَاهَدْتُكُمْ : دیدید
- ۲- ماضی ساده منفی ← (الف) ما + ماضی ساده : مَا كَتَبَ : ننوشت / مَا حَرَقُوا : نسوزاندند / مَا شَاهَدْتُكُمْ : ندیدید
(ب) لم + مضارع : لَمْ يَكْتُبْ : ننوشت / لَمْ يُحَرِّقُوا : نسوزاندند / لَمْ تُشَاهِدُوا : ندیدید
- ۳- ماضی نقلی مثبت ← قد + ماضی ساده : قَدْ كَتَبَ : نوشته است
- ۴- ماضی نقلی منفی ← لم + مضارع : لَمْ يَكْتُبْ : ننوشته است / لَمْ يُحَرِّقُوا : نسوزانده اند / لَمْ تُشَاهِدُوا : ندیده اید
- ۵- ماضی بعید ← (الف) كان + فعل ماضی : كَانَ كَتَبَ : نوشته بود / كَانُوا ذَهَبُوا : رفته بودند
(ب) فعل ماضی + فعل ماضی : رَأَيْتُ رَجُلًا جَلَسَ عَلَى الْكُرْسِيِّ : مردی را دیدم که روی صندلی نشست بود.
- (ج) لیت + فعل ماضی : لَيْتَنِي شَاهَدْتُ صَدِيقِي : کاش دوستم را دیده بودم.
- ۶- ماضی استمراری ← (الف) كان + فعل مضارع : كَانَ يَكْتُبُ دَرَسَهُ : درسش را می نوشت.
(ب) ماضی + مضارع : جَاءَ رَجُلٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ : مردی که قرآن می خواند، آمد.

(ج) لیت + ماضی : لیتَنی شَاهِدْتُ صَدِیقِی : کاش دوستم را می دیدم.

۷- مضارع اخباری ← (الف) فعل مضارع در حالت عادی : یَكْتُبُ : می نویسد / یَنْظُرُونَ : نگاه می کنند

(ب) جواب شرط: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ : اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند.

۸- مضارع التزامی ← (الف) مضارع + مضارع : أَفْتَشُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النَّصِّ : به دنبال فرهنگ لغتی می گردم که به من در درک متن کمک کند.

(ب) حروف ناصبه (أَنْ، كَيْ، لِي، لَكَ، حَتَّى) + مضارع : أَنْ تَذْهَبَ : که بروی (برود) / حَتَّى تَذْهَبُوا : تا بروید

(ج) لا نهی + فعل مضارع غایب یا متکلم : لَا تَتَكَلَّمْ : نباید صحبت کنیم

(د) فعل شرط : إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ : اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند.

(هـ) لام امر + فعل مضارع غایب یا متکلم : لِيَجْلِسُوا : باید بنشینند

(و) لیت + مضارع : لیتَ أَشَاهِدُ صَدِیقِی : کاش دوستم را ببینم.

۹- مضارع منفی ← لا + مضارع : لَا يَذْهَبُ : نمی رود

۱۰- امر مخاطب از صیغه های مخاطب مضارع ساخته می شود. اجْلِسْ : بنشین / اجْلِسُوا : بنشینید

۱۱- نهی مخاطب از صیغه های مخاطب مضارع ساخته می شود. لَا تَجْلِسْ : ننشین / لَا تَجْلِسُوا : ننشینید

۱۲- مستقبل مثبت ← سین یا سوف + مضارع : سَيَذْهَبُ (سَوْفَ يَذْهَبُ) : خواهد رفت

۱۳- مستقبل منفی ← لن + مضارع : لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت

نمونه سوال نهایی

لَمْ يُقْبَلْ: نبوسید / يَتَقَبَّلُ: می پذیرد / كَانَتْ الْبُومَاتُ تَهْجُمُ: جغدها حمله می کردند. نهایی شهریور ۹۸

قد اِكْتَفَى: اکتفا کرده است / تَعَدَّى: ظلم کرد نهایی خرداد ۹۸

لَا يَأْسُ: نا امید نمی شود / سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي...: ندادهنده ای را شنیدیم که ندا می داد /

لَمْ يَكُنْ: نبود (یا) نبوده است / شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ... تَسْكُنُ: کشاورز دید که ... زندگی می کردند.

نهایی دی ماه ۹۷

لَمْ تُضْعِفْ: ضعیف نکرد / كَانَ يُوَاصِلُ: ادامه می داد. نهایی دی ماه ۹۸

نحوه تشخیص فعل مناسب برای جای خالی

در این زمینه به چند نکته باید توجه کنید:

۱- در جملاتی که ابتدای جمله جای خالی است و فاعل پس از جای خالی به صورت اسم ظاهر ذکر شده است، فعل حتماً و حتماً مفرد می آید. فقط باید دقت کنید که از نظر جنس (مذکر و مؤنث بودن) باید با فاعل مطابقت کند.

مثال: (۱) الطُّلُبُ إِلَى الصَّفِّ. (ذهب / ذهبْتُ / ذهبوا) چون طلاب مذکر است فعل باید مفرد و مذکر بیاید.

(۲) الطَّالِبَاتُ إِلَى الصَّفِّ. (ذهب / ذهبْتُ / ذهبوا) طالبات مؤنث است پس فعل باید مفرد و مؤنث بیاید.

۲- در جملاتی که فعل پس از اسمی واقع می شود (جملات اسمیه)، فعل از نظر تعداد (مفرد و مثنی و جمع بودن) و جنس (مذکر و مؤنث بودن) باید با اسم هماهنگ باشد.

مثال: (۱) الطَّالِبَةُ إِلَى الصَّفِّ. (ذهب / ذهبوا / ذهبْتُ) چون طالبة مفرد و مؤنث است.

(۲) الطَّالِبَاتُ إِلَى الصَّفِّ. (ذهبْتُ / ذهبوا / ذهبْنَ) چون طالبات جمع و مؤنث است.

٣) الطَّلَابُ إلى الصفِّ. (ذهبوا/ ذهب/ ذهبن) چون طلاب جمع و مذکر است.

۳- اگر در ابتدای جمله، بر سر اسم ایّها، ایّتها و «یا» بیاید، فعل بعد از آن ها امر یا نهی است.

مثال: یا ایّها التلامیذُ..... مع العلماءِ. (جالسوا، جالسوا، جالس)

۴- اگر اسمی که قبل یا بعد از آن فعل قرار می گیرد، جمع غیر انسان باشد، فعل برای آن مفرد مونث می آید.

مثال: الأشجار من حَبَّةٍ. (نما، نمت، ينمو)

۵- در انتخاب فعل مناسب، گاهی لازم است به قید ها و ضمایر و سایر افعال موجود در جمله هم توجه شود.

مثال: (۱) حولَ المسائلِ المختلفةِ في الأسبوعِ القادمِ. (كَانَ نَتَكَلَّمُ، تَكَلَّمْنَا، سوف نتكلّم)

بخاطر وجود کلمه قادم که به آینده اشاره دارد، باید فعل مستقبل را انتخاب کنیم.

(۲) فعلتَ مِنَ الخَيراتِ، بها ذَخيرَةً لِآخِرَتِكَ. (وجدتَ، وجدتُ، وجدتِ)

به خاطر وجود فعل فعلت و ضمیر ک، وجدت صحیح است.

المحلّ الإعرابیّ (الإعراب) و التحليل الصرفیّ

المحلّ الإعرابیّ : از کتاب دهم با این عنوان آشنا شده اید. هر جا این سوال از شما پرسیده شود، یعنی نقش کلمه از شما خواسته شده است. همان طور که می دانید برای تعیین نقش باید به نوع جمله (اسمیه و فعلیه بودن) توجه شود. به ذکر نقش دستوری کلمه، یعنی جایگاه آن در جمله و علامت انتهای کلمه در زبان عربی اعراب می گویند و در زبان فارسی به آن ترکیب می گویند. اسم ها در نقشی که می گیرند می توانند مرفوع یا منصوب یا مجرور شوند.

نقش های مرفوع	نقش های منصوب	نقش های مجرور
فاعل مبتدا خبر اسم افعال ناقصه خبر حروف مشبّهة بالفعل خبر لای نفی جنس	مفعول خبر افعال ناقصه اسم حروف مشبّهة بالفعل اسم لای نفی جنس مفعول مطلق حال مستثنی	مضاف الیه مجرور به حرف جر

*صفت یا نعت هم یکی از نقش ها محسوب می شود ولی چون از نظر اعراب تابع موصوف است در جدول بالا ذکر نشده است.

التحليل الصرفی : در فارسی به آن تجزیه کلمه (ویژگی های فردی کلمه) می گویند. در تحلیل صرفی، کاری به جایگاه کلمه در جمله نداریم بلکه ویژگی های فردی کلمه را به عنوان یک اسم، فعل یا حرف مورد بررسی قرار می دهیم. در کتاب شما به تجزیه حرف اشاره ای نشده است. مواردی که در تجزیه یک فعل و اسم باید لحاظ شوند به صورت زیر است (البته این نکات بر اساس کتاب درسی شماست و مطلب خیلی گسترده تر است) :

تجزیه اسم : تعداد (مفرد و مثنی و جمع و در صورت جمع بودن نوع جمع)، جنس (مذکر یا مؤنث)، معرفه یا نکره بودن و نوع معرفه، نوع اسم (مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول،...) و معرب یا مبنی بودن.

تجزیه فعل : نوع فعل (ماضی، مضارع و...)، صیغه، معلوم و مجهول بودن، ثلاثی مجرد و مزید بودن و نوع باب، لازم یا متعدی بودن، معرب یا مبنی بودن.

*در تحلیل صرفی، کاری به نقش کلمه در جمله نداریم بلکه ویژگی های فردی کلمه مورد بررسی قرار می گیرد. ولی در المحل الاعرابی، نقش و جایگاه کلمه در جمله مورد ارزیابی واقع می شود.

*سوالات امتحانی در این قسمت معمولاً به صورت گزینه ای طراحی می شود.

*در سوال از المحل الاعرابی و التحلیل الصرفی دقت کنید که در قسمت اولاً تحلیل صرفی نوشته می شود و با گذاشتن فاصله پس از آن نقش یا همان محل اعرابی ذکر می شود.

مثال: يَجْتَهِدُ الْعَمَالُ فِي مَصْنَعٍ.

يَجْتَهِدُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، معلوم، مزید ثلاثی من باب افتعال، لازم، معرب / فعل

الْعَمَالُ: اسم، جمع التکسیر مفرد «عامل»، مذکر، معرفه به ال، اسم فاعل، معرب / فاعل و مرفوع

مَصْنَعٍ: اسم، مفرد مذکر، نکره، اسم مکان، معرب / مجرور به حرف جر